امام اعظم مسافت سه شبانه روز بسیر وسط که سیر ابل و رواحلست و همچنین مریض و مسافر چون افطار کنند فَعِدَّةٌ پس واجبست شمار
آن روزها که افطار کرده روزه داشتن مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ از روزهای دیگر و اگر مرض یا سفر روزه دار و برود عادت بنیت
چه حکم افطار در مرض سفر بقول اکثر رخصت است به عزیمت وَعَلَى الَّذِينَ و برآنانکه يُطِيقُونَهُ توانند که روزه دارند و خواهند که بدل
فِدْيَةٌ فدا دادنست و آنچه باشد طَعَامُ مِسْكِينٍ خوردنی درویشان و درویش را مدی طعام بمذهب شافعی و نصف صاعی از گندم
بقول امام اعظم که دو مد باشد و مد نزد فقهای حجاز رطلی و ثلثی است و نزد عراقیان دو رطل پس صاع بقول ایشان هشت رطل باشد
هر رطلی بیست استار بود و هر استاری چهار مثقال و نیم که یکمن صد و هشتاد بود و بقول حجازیان صاعی پنج رطل و ثلثی
باشد و بباید دانست که در حکم در ابتدای اسلام بود که هر کس مخیر بودی در صیام و اطعام و بعد از آن منسوخ شد و گویند اینجا
لا مضمرست و تقدیرش لا یطیقونه و مراد پیران از کار افتاده که مطلقا قادر نباشد بر صیام ایشان را فدیه باید داد و بر وجه
حکم آیه منسوخ نباشد بلکه حکمی ثابت مجموع علیه بود فَمَنْ تَطَوَّعَ پس هر که بطوع و رغبت زیاده کند خَيْرًا نکوی را و زند مدی دو
بیشتر طعام دهد یا زیاده از یک مسکین را بخوراند یا جمع کند بدان صیام و اطعام فَهُوَ پس آن تطوع خَيْرٌ لَهُ بهترست
او را از بزیادتی اجر وَأَنْ تَصُومُوا و آنکه روزه دارید مطیعان را یا رخصت داده کار از افطار خَيْرٌ لَكُمْ بهتر است مر شمارا
از فدیه یا افطار و قضا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ اگر هستید که بدانید فضیلت صوم را بر غیر آن و این حکم نیز قبل از نسخ بوده شَهْرُ رَمَضَانَ
این روزها که گفتیم روزه دارید ماه رمضان است رمضان بقول بعضی نام خداوندست و دلیل ایشان حدیثی است بروایت
انس بن مالک که لا تقولوا رمضان و لکن انسبوه کما نسبه الله در فتوحات آورده که رمضان اسمیست از اسماء الله تعالی یعنی الصمد
و خبر نبوی علی مصدرها افضل الصلوات بدین معنی وارد شده بروایت ابی هریره که لا تقولوا رمضان فان رمضان اسم من اسماء الله
تعالی پس حضرت شیخ میفرماید که درین اسناد چیزیست که علما آنرا از درجه صحت ساقط ساخته اند اما چون ما در قرآن دیدیم
که حق تعالی شهر رمضان فرموده نه رمضان و بعد ازین میگوید فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ و میگوید فمن شهد منکم رمضان و این معنی را
حمل بر تقویه حدیث کردیم و دیگر اگر صفا چون بی شلست و مخصوص بدو هر آیه او را در ماهی فرض گردانید که مسماست باسم
و جمهور علما برآنند که رمضان اسم این ماهست چون رجب و شعبان که هر یک نام ماهیست و در اشتقاق این لفظ اختلاف
کرده اند بعضی گویند از رمضا گرفته اند و آن ریگ تافته است از آفتاب و وجه مناسبت آنکه در وقتی که عرب اسامی شهور را
از لغت قدیم بلغت جدید نقل میکردند بعضی ماهها را در هر زمانی که واقع میبود باسم آن زمان تسمیه مینمودند چون رمضان
و جمادین پس این ماه در وقتی واقع شد که آفتاب بسبب آن رسیده بادیه عرب از تاب مهر جهانتاب گرم
شده بود و ریگهای بیابان از شعاع خورشید درخشان تفسان گشته و گویند درین ماه از حرارت موعظه دلها تاثیری
هست چنانکه ریگها از تابش آفتاب و وجه تسمیه آنست یا جگر از آتش عطش بوقت روزه گرم میگردد و یا گناه بنده
بوسیله روزه سوخته میشود و خدای تعالی دانست که این امت گناه بسیار میکنند بواسطه کثرت معاصی بتطهیر محتاج گردند و تطهیر

عاصیان

عاصیان باتش است و ضعف این امت که طاقت شعله آتش ندارند هم دانسته بود ایشانرا بروزه رمضان امر کرد تا حرارت
گرسنگی گناهان ایشان بسوزد و از احتراق باتش فراق ایمن گردند مصرع خود سوخته را بار دگر نتوان سوخت و خلیل ابن احمد
گوید ماخذ رمضان رمض است و آن بارانی باشد که آخر تابستان ببارد و روی زمین را از غبار پاک کند پس این ماه را
رمضان گفتند که فیض عنایت او نامهای سیاه گناهکاران را از ادناس خطیئات پاک میسازد و غبار هوا و هوس
ایشانرا باب ریاضت فرو می نشاند امام قشیری گفته رمضان سوزنده است بتاب مغفرت گناه قومی را میسوزد و شعله
آتش معرفت رسوم جمعی سوخته میگرداند ای عزیز آنکه ذنوبش را بسوزانند بروضه جنت درآید و آنکه رسومش سوخته گردد
در مرتبه قرب از همه برسر آید کسی را که از شعله شوق سوخت بتاب لقا چهره اش بر فروخت فضایل رمضان و مناقب
روزه داران و امثال این مجال شرح دادن مشکلست اما ما لا یدرک کله لا یترک کله دو سه کلمه بر وجه اختصار مذکور میگردد و احادیث
صحاح آمده که از اول رمضان فتحت ابواب السماء چون ماه رمضان درآید و این همای اشیانه قدس طاوس حلی بنای
روضه انس اهل عالم را در کنف ظلال اقبال خود از تاب سطوات معصیت حمایت نماید درهای آسمان را از رحمت بگشایند
و در روایت دیگر آنست که درهای بهشت را بروی این امت مفتوح سازند و غلقت ابواب جهنم و درهای دوزخ را
در بندند و سلسلت الشیاطین و مرده شیاطین را که جنود ملاعین اند مقید سلاسل اغلال انکال گردانند و هر شبی در وقت
روزه گشادن ششصد هزار بنده عاصی را که استحقاق جحیم داشته باشند از آتش دوزخ برات آزادی بخشند و در لطایف
التقریر آورده که رمضان میدانیست منور بشعله مصابیح دریامیست مزین بگوهر تراویح فرخ اختری خجسته اختری شیطان
بندی و زود پس گشای پاک سرشتی پاکیزه لقای معصیت گذاری عاصی نوازی غم زدای اندوه ربایی دیوان ازو در هراس
مستمندان ازو در سوی پس عاقلانرا از جمال و شادی عاصیانرا از برکت او آزادی مطیعانرا ازو نوید رحمت
مفلسانرا امید مغفرت دلهای عابدان ازو در چمن نزهت جانهای عارفان سیراب در گلشن راحت چون جمال شرف
این ماه آشکارا گردد شب محنت عاصیانرا صبح اقبال بدید آید رایت الظلکم شهر عظیم در میدان رفعت او منسوبست
و رقم اوله رحمة و اوسطه مغفرة و آخره عتق من النار بر اوراق دولت او مکتوب بیت این مرده فیض آمد از منبع رحمت
صد چشمه برای دل هر تشنه روانست این مرده فضلست و نسیم فرح و انس از بهر شفای دل هر خسته روانست این
مرده آرایش بر آرایش زینست این مرده آرایش آسایش جانست در خبر آمده که چون هلال رمضان بجلوه جمال نماید
عالمیانرا نور بخشند و عرش و کرسی و ملیکه در اهتزاز آیند و گویند طوبی لامة محمد آفتاب سعادت از برج عنایت برامت محمد صلعم
اشرف طلوع نمود خوشا ایشانرا که این منزلت و کرامت دادند پس آفتاب و ماه و عذر گناه ایشان خواهند کواکب ثوابت
باستغفار ایشان راغب شوند پس ماهیان در دریا و سیاحان عرصه هوا یعنی مرغ و ماهی ایشانرا آمرزش طلب کنند
سیاحان ساحت سپهر از هوام و حشرات و جمله مخلوقات مگر شیاطین بطلب مغفرت ایشان از حضرت ملک المنان زبان

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)